

[توضیح بیشتر عدم صحت تمسک کتابی به استصحاب نبوت سابق 1](#_Toc506692382)

[تنبیه ششم: استصحاب احکام شرایع سابق 2](#_Toc506692383)

**موضوع**: استصحاب در امور اعتقادی /تنبیه دوازدهم /استصحاب

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در استصحاب در امور اعتقادی بود.

##### توضیح بیشتر عدم صحت تمسک کتابی به استصحاب نبوت سابق

بحث در جریان استصحاب در نبوت انبیاء سلف بود. مرحوم آخوند[[1]](#footnote-1) فرمودند که این استصحاب نه الزاما و نه اقناعا جاری نیست و در واقع این مطلب را به عنوان ثمره بحث ذکر کردند. شخص کتابی نه می تواند با اجرای استصحاب نبوت سابقه، مسلمان را ملزم به پذیرش دین کتابی کند و نه این که می تواند خودش را در فرض شک، با اجرای این استصحاب، اقناع کند.

وجه عدم جریان استصحاب نبوت سابق این است که اولا شخص مُجری استصحاب، باید یقین و شک که ارکان استصحاب هستند را داشته باشد و ثانیا تعبد و اجرای استصحاب نسبت به آن امر مستصحب باید ممکن باشد، مثل طهارت؛ یعنی نباید از اموری باشد که یقین و معرفت در آن ها، موضوعیت دارد و ثالثا مُجری استصحاب می بایست دلیلی از دین خودش بر حجیت استصحاب داشته باشد.

اگر شخص کتابی بخواهد مسلمان را با اجرای استصحاب، ملزم به پذیرش نبوت سابق کند، مشکلش این است که اولا ارکان استصحاب در نزد شخص مسلمان، تمام نیست؛ چرا که وی علم به نسخ شریعت سابق دارد.

اگر هم می خواهد خودش را اقناع کند، مشکلش این است که اعتقاد به نبوت، از آن دسته امور اعتقادی است که باید به همراه علم و معرفت باشد و استصحاب در آن ها قابل اجراء نیست. این بر خلاف اموری مثل طهارت به عنوان موضوع حکم عقل به صحت نماز است که در آن، علم و معرفت شرط نیست و در نزد عقل، موضوع حکم به صحت نماز، اعم از طهارت معلوم بالوجدان و بالتعبد است و لذا اصول عملیه، نسبت به حکم عقل، واردند.

پس شخص مسیحی نمی تواند با اجرای استصحاب، معتقد به مسیحیت باقی بماند، بلکه باید فحص کند و در صورت عجز هم باید احتیاط کند و حق تبعیت از مسیحیت ندارد. در اعتقاد به نبوت هم باید به همان چیزی که در واقع است، معتقد شود. به علاوه که شخصِ مسیحی، دلیلی بر اعتبار استصحاب ندارد، مگر از طریقِ دین اسلام که وی قبولش نکرده است.

پس مشکل اجرای استصحاب در مجموع یا عدم تحقق ارکان آن بود و یا عدم امکان تعبد به نبوت و یا نبود دلیل بر حجیت استصحاب، مگر از طریقِ دین اسلام.

در ادامه، مرحوم آخوند سه معنا برای نبوت ذکر کردند: الف. کمالات تکوینیه ای که منشأ تلقی وحی شود. ب.منصب ج. احکام شریعت

بیان شد که استصحاب در مورد دو معنای اول، نه الزاما و نه اقناعا، جاری نیست.

اما بحث از جریان استصحاب نبوت به معنای سوم را ایشان در تنبیه ششم[[2]](#footnote-2) مطرح کردند که ما به خاطر عدم ترتب اثر بر آن بحث، ذکرش نکردیم، ولی بعد به ذهنمان خطور کرد که این مورد و لو در ناحیه احکام شریعت قبل، ثمره ندارد و موردی را گمان نمی کنم که بیابیم که از شریعت سابق باشد و شک در بقائش داشته باشیم، لکن دارای نکاتی است که سبب می شود ذکرش فایده داشته باشد.

لذا وارد بحث از استصحاب احکام شریعت قبل می شویم.

### تنبیه ششم: استصحاب احکام شرایع سابق

مرحوم آخوند[[3]](#footnote-3) در این استصحاب به دو اشکال در جریان احکام شریعت سابق پاسخ می دهند که این دو اشکال در مورد استصحاب احکام شریعت اسلام هم مطرح است و باید جواب داده شود.

ایشان استصحاب را در مورد احکام شریعت سابق جاری دانسته اند و به ذکر این اشکال پرداخته اند که ممکن است کسی با تمسک به دو دلیل، این استصحاب را منکر شود:

الف. از آن جا که احکام در شریعت سابق، فقط در حق انسان های آن زمان، جعل شده بود پس یقین سابقی نسبت به جعل احکام در حق خودمان نداریم تا در هنگام شک، استصحاب بقاء حکم را جاری کنیم.

ب. عدم شک در بقاء

نکته: مرحوم امام[[4]](#footnote-4) در این تنبیه، اشکال خاصی را ذکر کرده اند که آن را بررسی خواهیم کرد.

1. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص422.](http://lib.eshia.ir/27004/1/422/عرفت) [↑](#footnote-ref-1)
2. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص412.](http://lib.eshia.ir/27004/1/412/فرق) [↑](#footnote-ref-2)
3. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص412.](http://lib.eshia.ir/27004/1/412/فرق) [↑](#footnote-ref-3)
4. [الاستصحاب، السید روح الله الموسوی الخمینی، ج1، ص147.](http://lib.eshia.ir/86437/1/147/هاهنا) [↑](#footnote-ref-4)